

فلسفہ اخلاق

دکتر رحمت اللہ قاضیان

www.Ketab.ir

سرشناسه	: قاضیان، رحمت‌الله، ۱۳۱۹ -
عنوان و نام پدیدآور	: فلسفه اخلاق / رحمت‌الله قاضیان.
مشخصات نشر	: قم: افروغ، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	: ۲۲۳ ص؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ سم.
شابک	: 978-622-967525-0
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه:ص. [۲۳۱] - ۲۳۳.
موضوع	: اخلاق -- فلسفه
موضوع	: Ethics -- Philosophy
رده بندی کنگره	: BJ۳۷
رده بندی دیویی	: ۱۷۰
شماره کتابشناسی ملی	: ۶۳۴۰۵۳۱



انتشارات افروغ

دفتر انتشارات: پردیسان - بلوار بهشت - خیابان ملت - ساختمان کرانه ۴ - واحد ۹
تلفن: ۰۹۱۲۷۵۳۲۶۸۳ - ۰۹۳۳۳۰۳۸۶۹۰

عنوان: فلسفه اخلاق

نویسنده: رحمت‌الله قاضیان

ناشر: افروغ

نوبت چاپ: اول ۹۹

تیراژ: ۵۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۶۷۵۲-۵-۰

قیمت: ۲۷۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

دیاچه، ص ۲

بخش اول: مقدمات، ص ۱۱

اخبار قضایای اخلاقی از خارج، ص ۱۳

مسئولیت و تکلیف، ص ۲۱

اطلاق یا نسیت در اخلاق، ص ۲۸

سعادت، ص ۴۶

ماهیت انسان، ص ۵۰

خودشناسی، ص ۵۵

از مقوله زیبایی بودن اخلاق، ص ۵۹

کمال، هدف انسان، ص ۶۶

بخش دوم: مکاتب اخلاقی، ص ۷۱

مکاتب و فلسفه‌های اخلاقی، ص ۷۳

اخلاق لذت‌مدار، ص ۷۴

لذت‌طلبی در اسلام، ص ۷۵

لذت‌گرایی حسی، ص ۷۷

اخلاق کلبی، ص ۸۳

اخلاق مصلحت‌مدار اپیکوری، ص ۸۸

اخلاق سودمدار، ص ۹۲

- اخلاق بر مدار سود اجتماعی، ص ۹۵
- اخلاق بر مدار قرارداد گرایی، ص ۱۰۱
- اخلاق در مکاتب هندی، ص ۱۰۵
- اخلاق وظیفه مدار، ص ۱۰۷
- اخلاق عاطفه مدار، ص ۱۰۹
- اخلاق تطوّر مدار، ص ۱۱۵
- اخلاق مسیحیت، ص ۱۱۷
- اخلاق جامعه مدار، ص ۱۱۹
- اخلاق طبیعت مدار (ناتورالیسم)، ص ۱۲۱
- اخلاق احساس مدار (پوزیتیویسم)، ص ۱۲۳
- اخلاق شهود مدار، ص ۱۲۸
- توصیه گرایی یا هدایتگری در اخلاق، ص ۱۳۳
- اگزیستانسیالیسم و اخلاق، ص ۱۳۵
- اخلاق وجدان مدار، ص ۱۳۸
- اخلاق قدرت مدار (نیچه)، ص ۱۴۱
- اخلاق مبتنی بر «کمال در ضعف»، ص ۱۴۵
- پراگماتیسم (اصالت عمل)، ص ۱۴۸
- اخلاق تکامل مدار مارکسیستی، ص ۱۵۰
- اخلاق رواقی، ص ۱۵۴
- اخلاق وظیفه مدار (کانت)، ص ۱۵۷
- اخلاق فضیلت مدار (سقراط)، ص ۱۶۲
- اخلاق جمال مدار (افلاطون)، ص ۱۶۶
- اخلاق اعتدال مدار (ارسطو)، ص ۱۶۹
- اخلاق بر مدار عقل و اراده، ص ۱۸۱

بخش سوم: فلسفه اخلاق از نظر اسلام، ص ۱۸۳

اخلاق دینی (سکولار)، ص ۱۸۵

مذهب پشوانه‌ی اخلاق، ص ۱۸۵

ویژگی‌های اخلاق مذهبی، ص ۱۹۱

ویژگی‌های نظام اخلاقی اسلام، ص ۱۹۳

اسلام تنها نظام اخلاقی کامل، ص ۱۹۶

ملاک فعل اخلاقی در اسلام، ص ۱۹۹

قرب خدا کمال نهایی انسان، ص ۲۱۱

حسن و قبح شرعی اند یا عقلی؟ ص ۲۱۲

منابع کتاب، ص ۲۱۹

دیب‌پا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ جَمِيعِ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ رَسُلِهِ، سَيِّمًا أَشْرَفَهُمْ وَ خَاتَمَهُمْ مُحَمَّدٌ وَ آلُهُ الطَّاهِرِينَ، الَّذِينَ أَذْهَبَ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَ طَهَّرَهُمْ تَطْهِيرًا. لَا سَيِّمًا بَقِيَّةَ اللَّهِ الْأَعْظَمِ، وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَيَّ اِعْدَائِهِمْ وَالسَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَيَّ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ.

از نظر همه‌ی انسان‌های عاقل، چه رسد به فلاسفه و دانشمندان، تردیدی نیست که انسان بدون اخلاق و فضایل اخلاقی، حیوانی بیش نیست؛ و هر چه که انسان با متخلّق شدن به فضایل اخلاقی آراسته‌تر شود، در انسانیت بیشتر پیشرفت می‌کند، تا جایی که یک انسان کامل گردد که خواسته‌ی هر انسان عاقلی است. از این رو، همه‌ی دانشمندان و فلاسفه، حتّی دانشمندان و مکاتب مادی، همواره در صدد بوده‌اند که برنامه و دستورالعملی به نام «اخلاق» برای رفتار و کردار آدمیان عرضه کنند، تا آنان را به سرمنزل سعادت و خوشبختی هدایت نمایند و نحوه‌ی سلوک و رفتار آن‌ها را مشخص سازند.

بعضی از ناآگاهان، اخلاق را امری خصوصی در زندگی انسان‌ها می‌دانند؛ در حالی که اگر بشر بدون اخلاق باشد، دنیا برای وی تبدیل به یک باغ وحش خواهد شد؛ و چنان امنیت و آسایش مردم بازیچه‌ی دست قلدران می‌گردد که زندگی برایشان تبدیل به جهنمی سوزان خواهد شد که زندگی فردی صدها بار بر آن ترجیح خواهد داشت.

چنان‌که اقوام زیادی بوده‌اند که به خاطر فرورفتن در فساد اخلاقی به کلی از صفحه‌ی روزگار محو شده‌اند. حتّی این فی‌الجملة امنیتی که در روی زمین هست، بیشتر از برکت دین و اخلاق در بین مردم است، تا قانون و دادگاه و نیروی انتظامی.

امام صادق (علیه السلام) فرموده: «أَلْبَرُ وَ حُسْنُ الْخُلُقِ يَعْمُرَانِ الدِّيَارَ وَ يَزِيدَانِ فِي الْأَعْمَارِ: نِيكُو كَارِي وَ اخْلَاق نِيكُو، شهرها را آباد و عمرها را طولانی می‌کنند.»^(۱)

و «امیرمؤمنان (علیه السلام) فرموده: «سَوْءُ الْخُلُقِ تَكِلُ الْعَيْشَ وَ عَذَابِ النَّفْسِ: اخْلَاق بَد مُوجِبِ سَخْتِي زَنْدَگِی وَ نَارَاحَتِی رُوح وَ وَجْدَانِ مِی‌شُود.»^(۲)

^۱ - کافی، باب خوش اخلاقی، حدیث ۸

^۲ - سفینة البحار، ماده‌ی خلق

^۳ - اول مصباح الشریعه

^۴ - بحار الانوار ۲۱۹/۱۰

آفریدگاری که بشر را آفریده، به مناسبت رحمانیتش یک سلسله دستورات اخلاقی نیز برای وی که اشرف مخلوقاتش است، بیان فرموده، تا با به کار بستن آنها، هم به کمال لایقش که قرب خودش است برسد و هم با به فعلیت رساندن قوا و استعداداتش، از لذایذ روحی و معنوی در دنیا و آخرت برخوردار گردد؛ زیرا مادامی که بشر گرفتار رذایل اخلاقی است و هم چون حیوانات تنها به ارضای امیال و شهواتش مشغول است، هم چون حیوانات هم امکان استفاده از لذایذ و نعمت‌های معنوی را نخواهد داشت؛ همان طوری که هرگاه یک فرد عامی بی سواد را به کتابخانه‌ای ببرند که حاوی کتاب‌هایی است که حاصل دانش بشریت است، وی نمی‌تواند از آنها استفاده کند.

پرورش فضایل اخلاقی، یکی از هدف‌های والای پیامبران نیز بوده است؛ چنان که در حدیث معروفی هم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ: برانگیخته شده‌ام، تا مکارم عالی اخلاق را تکمیل کنم. (۲)

آری، انسان با انجام عبادات اسلامی و کسب صفات فاضله‌ی اخلاقی، به سر منزل قرب خدای بزرگ می‌رسد که برتر از آن نمی‌توان تصور کرد. چنان که «امام صادق علیه السلام» فرموده: «الْعُبُودِيَّةُ جَوْهَرِيَّةٌ كُنْهَهَا الرُّبُوبِيَّةُ: بندگی خدای تعالی گوهر تابناکی است، که انسان در فروغ رهروی آن به سر منزل حریم کبریای الهی می‌رسد. (۳)

هرچند اخلاق در هر زمان اهمیتی فوق‌العاده داشته است؛ ولی در زمان ما از اهمیتی ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا وسایل ارتباطی چون ماشین و هواپیما و روزنامه و مجله و رادیو و تلویزیون و ماهواره و اینترنت همه جا را به هم وصل کرده؛ به طوری که فساد و فحشاء و مواد مخدر و مفسدات اخلاقی به سرعت در سراسر روی زمین پخش می‌شود؛ از این رو، کوتاهی در مسائل اخلاقی فاجعه‌آمیز خواهد بود.

در اجتماعی که ایمان و اخلاق حاکم باشد، همه‌ی افراد و جمعیت‌ها از دولت و ملت، حاکم و محکوم، کارگر و کارفرما، رئیس و مرئوس و ... به حکم ایمان و اخلاقی که دارند، در اجرای قوانین و مقررات با یکدیگر همکاری می‌کنند؛ ولی در اجتماعی که از حکومت ایمان و اخلاق خبری نیست، این دسته‌ها و گروه‌ها، در مقابل یکدیگر قرار گرفته

و به جای همکاری، به رقابت و مبارزه با یکدیگر می‌پردازند؛ و پیداست که نتیجه‌ی این جدال‌ها و مبارزه‌ها به کجا خواهد کشید.

به عبارتی دیگر، از آن‌جا که اخلاق و کسب فضیلت، دغدغه‌ی هر انسان اندیشمندی است که می‌خواهد حقیقتاً انسان باشند، نه حیوانی که تنها صورت انسان دارد، و این هم جز با تحصیل ارزش‌ها و فضیلت‌های اخلاقی فراهم نمی‌گردد. ضرورت بحث نظری در مورد اخلاق را روشن می‌سازد، تا انسان با بصیرت در این راه گام نهد و کشش‌های وجودش را به سوی فضایل اخلاقی هدایت کرده و استعدادهایش را در این زمینه شکوفا سازد.

میل فطری ما به خوب بودن هم اگر عالمانه شناخته شود و مبانی و آثار و ثمرات آن معلوم گردد، زمینه‌ی حرکت تکاملی انسان را، که سعادت جاودان را به ارمغان می‌آورد، برای او فراهم می‌سازد و این همان خواست و هدف نهایی هر انسان خردمندی است.

افعال اخلاقی ارزشمند، برتر از ارزش‌های مادی است؛ به گونه‌ای که هر انسانی در برابر دارنده‌ی آن‌ها خضوع و احترام می‌کند، هرچند خود نتوانسته باشد بدان‌ها عمل کند. البته افعال اخلاقی، به نوبه‌ی خود، ظهور و تجلی یک سری ملکات و هیأت‌های راسخ نفسانی است که حکم زیربنا و اساس را برای افعال اخلاقی دارند.

درک و احساس و اذعان به این ارزش‌های اخلاقی و قداست آن‌ها امری است شایع و همگانی که در همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها با همه‌ی تنوع فرهنگی، فکری و اجتماعی آشکارا ظهور دارد و همین امر نیز ضرورت تأمل و تعمق بیشتر در این باره را آشکار می‌سازد.

ولی ما قبل از این که ببینیم از نظر اخلاقی چه کاری خوب است و چه کاری بد، به عنوان اصل موضوع پذیرفته‌ایم که کارهای خوب و بدی داریم و ملاک‌هایی برای تقسیم کارها به خوب و بد یا خیر و شر وجود دارد. در فلسفه‌ی اخلاق از همین اصول موضوعه بحث می‌شود که از کجا که ما کار خوب و بد داریم؟ ملاک تقسیم کار به خوب و بد چیست و خوبی و بدی از کجا ناشی می‌شوند؟

به عبارت دیگر، در اخلاق، فضایل اخلاقی مانند راستی، درستی، امانت، ایثار، گذشت، عدالت و نیز رذایل اخلاقی مانند دروغ، خیانت، ظلم و غیره بیان می‌شود؛ ولی در فلسفه‌ی اخلاق منشأ افعال اخلاقی و ملاک افعال خوب و بد معلوم می‌شود.

و از آن‌جا که در هر علمی شناخت و نظر بر عمل تقدّم دارد؛ زیرا تا هدف و مقصود برای انسان روشن نباشد، نمی‌تواند به عمل پردازد، و اگر هم عملی بدون شناخت انجام دهد، بسا نادرست خواهد بود؛ از این‌رو، در علم اخلاق هم، ابتدا باید به اخلاق نظری یا فلسفه‌ی اخلاق پرداخته شود، تا معلوم شود که انسان باید رفتار و وظایفش را برای رسیدن به چه هدف و غایتی انجام دهد، تا به سعادت برسد.

تاریخچه فلسفه اخلاق

از آن‌جا که انسان هیچ‌گاه از اخلاق خالی نبوده است، می‌توان گفت: تفکر عقلانی پیرامون اخلاق به قدمت بشر می‌باشد؛ و از نظر تدوین مسائل فلسفه‌ی اخلاق هم از زمان یونان باستان تا کنون بسیاری از فلاسفه کوشیده‌اند، تا مناسب مبنای فکری و فلسفی خود، نظامی اخلاقی به نام «فلسفه‌ی اخلاق» ارائه دهند.

در فرهنگ اسلامی، مباحث فلسفه‌ی اخلاق در لابه‌لای مباحث فلسفی، اخلاقی، کلامی و علم اصول مطرح شده‌اند.

ولی این از اوایل قرن بیستم بود که با نوشته شدن کتابی به نام «مبانی اخلاق» توسط «جرج ادوارد مور» (۱۸۷۳ - ۱۹۵۹) فلسفه‌ی اخلاق به عنوان علمی مستقل از اخلاق و فلسفه مورد بررسی قرار گرفت.

این کتاب در سه بخش ارائه می‌شود: مقدّمات، مکاتب اخلاقی و فلسفه‌ی اخلاق در اسلام.

رحمت الله قاضیان